



با همان قیمت قبل قابل تولید نیست و به نوعی صنعت نشر با تورم هماهنگ نیست. بقیه کسب و کارها با این مشکل روبرو نیستند. جنس تولید شده با قیمت قبلی در بازار ایران نمی تواند تابع قیمت قبلی باشد و با این حساب جنس ضرر ده به حساب می آید. یعنی اگر جنس در انبار کاغذ خام بود این اتفاق نمی افتاد اما وقتی تبدیل به کتاب می شود، صورت مسئله به ضرر ناشر برمی گردد. مسئله بعد فروش کتاب است. به دلیل آنکه کتاب جزو کالاهای اساسی و ضروری حساب نمی شود از هشتاد میلیون جمعیت در خوشبینانه ترین حالت حداکثر یک میلیون کتابخوان در کشور وجود دارند و صنعت نشر با همین یک میلیون نفر می چرخد که اصلا ربطی هم به توان مالی و اقتصادی شان ندارد، یعنی ممکن است مصرف کننده بسیار هم از نظر مالی برای خرید کتاب ضعیف باشد اما چون کتابخوان است به هر شکلی کتاب را تهیه می کند این مصرف کننده یک میلیون نفری حتی در دسته بندی هم دچار ریزش می شود. یعنی در هر دسته شاید تنها بتوان صد الی پنجاه هزار نفر را جاداد. این بازار فوق العاده آسیب پذیر است که مادر حال حاضر در آن مشغول هستیم و کار می کنیم. با این مشکلات چاپ کتاب افست خیلی دغدغه مان نیست. چرا که خود ناشران بیشتر اوقات از فروش کتاب خودشان عاجز هستند. حالا اینکه کسی بخواهد جنسی را مشابه تولید کند به خاطر بحث فروش، در واقع کار سختی برای اوست نه برای ما! کتاب پرفروش برای هر انتشاراتی محدود به یک الی چند عنوان کتاب است و همه موارد را شامل نمی شود. به این صورت یک الی دو کتاب که ممکن است قاچاق شود، در بیش از هزار عنوان خیلی نمی تواند دغدغه بازار کتاب باشد. مثلاً یکی از کتاب های نشر خودمان را به صورت افست در بازار دیدم، گزارش کردم و جمع آوری شد. در مجموع این مسئله شاید یک دهم درصد از مشکلات را شامل شود اما کلیت همان است که اول ذکر کردم.

#### محمود حائری (نشر چشمه):

#### قاچاق کتاب از عدم قانون کیی رایت نشات می گیرد

بحث قاچاق کتاب بیش از آنکه به مولف و مترجمان ضربه بزند، ناشران را دچار ضرر و زیان می کند. به این شکل که وقتی کتابی پرفروش می شود از آنها ترجمه های فیک با اندک تغییراتی توسط مترجمانی بی نام بیرون می آید، یا اینکه کتاب هایی مانند ملت عشق و ... افست شان در بازار می آید. ناشران نامعتبر معمولاً هر کتابی را که بازار دارد را با عنوان مترجمی که تا بحال اسمش هم شنیده نشده است، کتاب سازی می کنند. کتاب افست و چاپ غیر قانونی هم در کتاب هایی که چاپ ممنوع شده و یا کتاب های پرفروش همواره وجود دارد. مسئله کتاب سازی به دلیل آنکه در ایران قانون کیی رایت رعایت نمی شود نشات می گیرد یعنی اینکه هر ناشری می تواند ترجمه ای از کتاب های معتبر خارجی را وارد بازار کند و متأسفانه وزارت ارشاد در این مرحله ترجمه های مختلف از یک کتاب را تطبیق نمی دهد و تنها همان معیارهای ممیزی خودشان را لحاظ می کنند و بحث ترجمه و اصالت آن اصلاً برای شان اهمیت ندارد.

#### کامران پارسی نژاد (پژوهشگر و نویسنده):

#### بی توجهی به اهل قلم کاملاً عیان است

مطالب و مقالات خود بنده در سایت های مختلف بدون اطلاع به فروش می رسد. همین طور کتاب هایی از دوستان نویسنده دیده ام که بدون اطلاع خودشان در سایت هایی مانند طاقچه و ... به فروش می رسد. بهر حال این مسئله اتفاق افتاده و می افتد، شاید در قرار دادهای جدید ملاحظاتی برای نویسنده و مولف قائل شده باشند که من از آن بی اطلاعم. به طور کلی نظارت در حوزه های فرهنگی به معنی دخالت در کار نویسنده و مولف نیست، بلکه نظارتی است تا حق و حقوق صاحب اثر رعایت شود. برای این مسئله نیاز به یک دایره منسجم خصوصاً در فضای مجازی است. یاد دارم در یک پروسه زمانی به مقاله خودم نیاز داشتم و مجبور شدم آن را از یک سایت بخرم. بهر حال مشخصاً دست های پشت پرده در بازار کتاب و محتوا وجود دارد که اتفاقاً درآمدهای کلانی هم در این حوزه دارند و متأسفانه حق و حقوق نویسنده اصلاً در آنها رعایت نمی شود. اگر قوانینی وجود دارد، که نویسنده بتواند از متنی که به صورت قاچاق از او منتشر شده، شکایت کند، شفاف سازی نشده است. متأسفانه تا بحال دیده نشده است که مسئولین به این نکته حتی اشاره کرده باشند و چنانچه قانونی برای برخورد هست را عنوان کنند. در تولید هر اثر بیشترین زحمت را نویسندگان می کشند اما در ادامه بی بهره ترین در این دایره هستند. پژوهشگر و نویسنده حق الزحمه ای که دریافت می کند به قدری کم است که اصلاً قابل بیان نیست شاید به همین دلیل است که رشد در ادبیات ایران متوقف شده است. چرا که بی توجهی به اهل قلم کاملاً عیان است. به نظر من این توانمندی که حافظ دیگر یا سعدی دیگری داشته باشیم وجود دارد اما بی توجهی به هنرمند و عدم حمایت از اهالی قلم ما را به این فحطی دچار کرده است.

با چندین سوله از انبار کتاب کشف کنند. یعنی در دوره کوتاهی اراده ای برای حل این مسئله وجود داشت اما حالا دیگر نیست. خود ناشران معتقدند جمع کردن این قضایا کار یک یا دو ساعت است منتها اراده ای برای آن وجود ندارد. حالا این مسئله که آیا اراده ای هست یا نیست و یا برخی مسئولین خود سود و منفعتی از این جریان دارند، پرسشی است که من در آن قضاوتی ندارم اما به عنوان یک خبرنگار در حوزه کتاب که مدت زیادی آن را دنبال کرده ام، می دانم این شبکه قاچاق کتاب، باند بزرگ و پیچیده ای است که کل ایران را در بر گرفته است. شبکه ای که در کل ایران شعبه های چاپ، پخش و توزیع داشت و مهم ترین کارشان چاپ کتاب به صورت غیر قانونی است که مسلماً در آن حق هیچ کدام از ذی نفعان پرداخت نمی شود. یکی از ارگان هایی که باید این مسائل را دنبال کند، اداره کتاب است و دفتر توسعه کتابخوانی در کشور است و دیگر نهاد پلیس اینترنتی فتا برای جلوگیری از باز نشر نسخه دیجیتال و فروش کتاب های غیر قانونی در سایت هاست. در مجموع قوانین هست اما به آن عمل نمی شود، و نیاز مبرم است تا ارگانی این قانون ها را با اعمال جزاها و یا پیگیری شدید تر نهادینه کند. در واقع قانون هست اما التزام به قانون نیست. در مورد قانون کیی رایت هم واقعیت این است که جریان نشری که در جهان است خیلی به دنبال پیشرفت ایران نیست و اقدامات شان بیشتر بر علیه ناشران و جریان پیشرفت و توسعه در ایران است. به همین دلیل در ست رعایت نکردن قانون کیی رایت جهانی در ایران اقدام ناشایسته است، اما طرف خارجی خودش هم خیلی علیه السلام نیست و از این اقدام به دنبال منفعتهای دیگری در سیاست کلان است.

#### محمد هادی جوکار (مدیر انتشارات کتاب اسلامی):

#### قاچاق خیلی دغدغه ما نیست، مشکل اساسی تری داریم

مشکل اصلی مادر حوزه کتاب در حال حاضر نوسان قیمت های تولید و تهیه مواد اولیه انتشار کتاب است. متر یال هایی که برای تولید کتاب وجود دارد با قیمت دلار هر روز رو به افزایش است. یعنی وقتی ما کتابی را قیمت گذاری می کنیم، ۴ ماه بعد همان کتاب با توجه به نوسان قیمت ها

پیش است، اما نوع و کیفیت کاغذ کاملاً مشخص است که چاپ تازه است. یعنی وقاحت در حدی است که حتی در کیفیت کاغذ کتاب هم این عمل خلاف رعایت نشده است. در این زمینه پیشنهادهای هم داده شده است که جلوی این قضایا گرفته شود، مانند زدن بار کدخوان که شناسنامه کتاب می تواند در آن درج شود، اما ظاهراً اصلاً در اراده هیچ دولتی نبوده و نیست که این قضایا حل شود. یکی از دلایل می تواند این باشد که برخی از ناشران محترم خودشان کارمند ارشاد هستند و عموماً ترجیح شان بر این است که این قوانین سخت و دست و پاگیر نباشد. از یکی از بزرگترین گرفتاری ها اعمال نظر و نفوذ همین اشخاص است که هم کارمند ارشاد هستند و هم ناشر! و در انتها قوانین به نفع مولف رقم نمی خورد. متأسفانه تا وقتی که در وزارت ارشاد اراده ای برای حل مسئله نباشد، هیچ ارگانی نمی تواند کاری از پیش ببرد.

#### صادق وفایی (خبرنگار حوزه کتاب):

#### قانون هست، اما التزام به قانون نیست!

بزرگترین مشکل در حال حاضر برای ناشران قیمت کاغذ است، که در چند سال اخیر رشد چشمگیری داشته است. با این وضع قیمت ۱۲۰ هزار تومان برای تولید کتاب، قیمت کف شده است. به همین خاطر ناشر با هزینه کردهای خود از قبیل کاغذ، مرکب، صحافی و... برای آنکه بتواند ادامه حیات بدهد با مشکل روبروست. تهیه مواد اولیه برای ناشران بزرگترین مشکل است، که با هر تحریم مشکلات شان دوچندان می شود. در مسئله قاچاق کتاب هم مسائل مختلفی دخیل است که بخشی از آن لطمه زدن به مولف، صاحب اثر و ناشر است که در ادامه با تغییراتی که قاچاقچیان در کتاب بوجود می آورند به اعتماد و اعتبار صاحب اثر نیز به شدت لطمه می زند. یعنی مخاطبی که طرفدار یک نویسنده است وقتی ترجمه بدی تحت عنوان کتاب سازی و قاچاق از آن نویسنده بخواند، ممکن است دیگر از آن نویسنده زده شود. ضرر مالی ناشر هم که در این میان اظهر من الشمس است. یاد دارم در سال ۱۳۹۰ بود که خیلی به دنبال حل معضل قاچاق کتاب در کشور بودیم. اتحادیه ناشران با پافشاری و به کمک پلیس توانستند یک شبکه قاچاق